

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال هشتم ♦ شماره ۱۵ ♦ بهار و تابستان ۱۴۰۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ ♦ صفحات: ۱۳۳-۱۱۱

نقد لزوم تکفیر طاغوت از منظر تکفیری‌ها

محمد علیدوست*

سید حسن آل مجدد**

چکیده

در شرع مقدس، کفر به طاغوت در موارد متعددی مطرح شده است. برخی از تکفیری‌ها، این آموزه قرآنی را به لزوم «تکفیر طاغوت» تفسیر و از آن، مقدمه ایمان یا نقض ایمان (در صورت عدم تکفیر) را برداشت کرده و در نتیجه به صرف اینکه مسلمانی طاغوت را تکفیر نکند، او را از دایره اسلام خارج می‌دانند. این رأی تکفیری‌ها، نه تنها در میان سلف مسبوق نیست؛ بلکه در اندیشه خود این طیف مورد اختلاف است و عده‌ای از هم‌مسلمانان آنان نیز تکفیر طاغوت را لازم نمی‌دانند. گذشته از این دو اشکال، تطبیق کفر به طاغوت با لزوم تکفیر آن با قواعد اصولی و لغت عرب ناسازگار است.

کلیدواژه‌ها: طاغوت، تکفیر طاغوت، کفر به طاغوت، خروج از اسلام.

* فارغ‌التحصیل سطح سه مؤسسه امام صادق علیه السلام و دانش‌پژوه مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت علیهم السلام (نویسنده مسئول)

m.alidoost1370@gmail.com

** استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

مقدمه

با ظهور اسلام، کفر به طاغوت نیز ظاهر شد. عده‌ای از تکفیری‌های معاصر، کفر به طاغوت را به «تکفیر طاغوت» تفسیر کرده و ترمذ از تکفیر طاغوت را به معنای خروج از دایرة اسلام و ورود در ورطه کفر دانسته‌اند. نوشتار پیش رو، در صدد بیان دیدگاه تکفیری‌ها در این زمینه و دیدگاه سلف و اشکالات دیگری است که متوجه نظر تکفیری‌ها می‌باشد.

یکی از روش‌های کاربردی برای مقابله با جریان تکفیر، مقایسه بین عقاید آنان و پندارهای سلف افزون بر اختلافات درونی آنان و دیگر اشکالاتی است که متوجه دیدگاه تکفیری‌ها می‌باشد. با توجه به اینکه اگر دیدگاه سلف و تکفیری‌ها در کنار همدیگر مطرح شوند، تقابل میان این دو گروه در موارد متعددی برای خواننده ملموس می‌گردد و در نتیجه از تأثیر به‌سزایی برخوردار خواهد بود. با عنایت به این مطلب، ضرورت شکل‌گیری این نوع از نوشتار بیش از پیش احساس می‌شود.

در خصوص طاغوت و تحاکم به طاغوت و همچنین آیات مربوط به این واژه، پژوهش‌هایی انجام پذیرفته است؛ اما بررسی‌های صورت‌گرفته از سوی نگارنده، در خصوص تکفیر طاغوت از منظر تکفیری‌ها این بوده است که تحقیقی در این زمینه صورت نپذیرفته است. بر همین اساس پژوهش پیش‌رو ساماندهی و ارائه می‌گردد. در مقاله حاضر، ابتدا به مفهوم شناسی «طاغوت» در لغت و اصطلاح پرداخته شده و پس از آن، سنجه طاغوت از نگاه اهل بیت و تکفیری‌ها بیان گردیده است. در مرحله سوم، به دیدگاه تکفیری‌ها به لزوم تکفیر طاغوت اشاره شده و در مرحله پایانی دیدگاه تکفیری‌ها بررسی و نقد شده است.

فصل اول: مفهوم‌شناسی

طاغوت در لغت

طاغوت، مشتق از «طغی و طغو»^۱ و به معنای چیزی است که از حد و حدود خودش

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۹.

تجاوز کند. راغب اصفهانی می‌نویسد: «هر متجاوزی را طاغوت گویند.»^۱ ابن منظور مانند راغب، طاغوت را معنا می‌کند.^۲ طریحی نیز معنای تجاوزگر را برای طاغوت مطرح می‌کند.^۳ برخی از اهل لغت برای بیان معنای طاغوت، از تعیین مصداق استفاده کرده‌اند. از دیدگاه این گروه، هر موجودی که سردمدار گمراهی باشد، طاغوت محسوب می‌شود.^۴ از منظر اخفش، طاغوت به انسان اختصاص ندارد؛ بلکه بر جن و شیطان نیز می‌توان عنوان مذکور را اطلاق کرد.^۵

طاغوت در اصطلاح

درباره طاغوت، دو نوع تعریف مشاهده می‌شود: تعریفی مطلق و بی‌قید و تعریفی مقید و همراه با قید.

تعاریف عام

مالک بن انس معتقد است هر چیزی غیر از خداوند متعال که پرستش شود، طاغوت است.^۶ نووی نیز طاغوت را همین‌گونه معنا می‌کند.^۷

تعریف مقید

طبری در توضیح طاغوت می‌نویسد: «هر چیزی که بر خداوند طغیان کند و پرستیده شود، طاغوت عنوان می‌گیرد.»^۸

ابن تیمیه برای «طاغوت» دو ملاک بیان می‌کند: نخست آن که پرستیده شود؛ دوم آن

۱. «الطاغوت عبارة عن كل معتد.» (الحسین بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۲، ص ۲۸)

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۸.

۳. «مرحوم مصطفوی در معنای طاغوت چنین می‌نگارد: الطاغوت: تاوها زانده و هی مشتقة من طغا و الطاغوت یدگر و یؤت و الاسم الطغیان و هو مجاوزة الحد و کل شیء جاوز المقدار و الحد في العصیان: فهو طاغ و أطفیته جعلته طاغیا؛ و طغی السیل: ارتفع حتی جاوز الحد في الكثرة.» (مصطفوی، حسن، التحقیق في کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۱۰)

۴. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۹۲.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۸، ص ۴۴۴.

۶. احمد مختار عبدالحمید عمر، معجم اللغة العربية المعاصرة، ج ۲، ص ۱۴۰۳.

۷. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۳۸، ص ۴۹۶.

۸. السمعانی، منصور بن محمد، تفسیر السمعی، ج ۱، ص ۴۳۶.

۹. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۳، ص ۱۸.

۱۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان في تأویل القرآن، ج ۵، ص ۴۱۹.



که به پرستیده شدن راضی باشد.^۱ محمد بن عبدالوهاب از ابن تیمیه تقلید کرده و همین دو ملاک را برای به کارگیری عنوان طاغوت کافی می‌داند.^۲

صالح الفوزان می‌نویسد: «هر چیزی غیر خداوند که عبادت شود و به عبادت شدن راضی باشد، طاغوت می‌باشد.»^۳

ابوبصیر طرطوسی نیز طاغوت را چیزی (غیر از خداوند) که پرستیده شود و بدان راضی باشد، معرفی می‌کند.^۴

بیان اشکالات تعاریف مذکور و ارائه تعریف صحیح

تعاریفی که از هر دو گروه بیان شده است، جامع و مانع نیستند:

بیان اشکال تعریف نخست: تعریف گروه نخست مانع نیست. از منظر آنان، هر چیزی که غیر الله و معبود باشد، طاغوت محسوب می‌شود؛ درحالی‌که این چنین نیست؛ زیرا مسیحیان، حضرت عیسی علیه السلام را پرستش می‌کنند؛ اما قطعاً ایشان جزء طواغیت محسوب نمی‌شود.

بیان اشکال تعریف دوم: تعریف گروه دوم جامع نیست. از دیدگاه این گروه، قید رضایت به پرستیده شدن، در تحقق طاغوت لازم است؛ درحالی‌که چه بسا موجوداتی که پرستش شوند؛ اما اصلاً قابلیت ابراز رضایت یا عدم آن را نداشته باشند. به عنوان نمونه سنگ و بت، پرستش می‌شوند؛ اما به ابراز رضایت یا عدم آن توانمند نیستند. با توجه به تعریفی که قید «رضایت» را لازم می‌داند، باید این معبودان را از دایره طاغوت خارج بدانیم.

بر اساس آنچه گفته شد، بهترین تعریفی که می‌توان برای معنای اصطلاحی طاغوت بیان کرد؛ همان معنای لغوی کلمه طاغوت است.

توضیح اینکه «طاغوت» در لغت به معنای تجاوزگر است. در اصطلاح شرعی نیز هر چیزی را که از حد خود تجاوز کند، طاغوت می‌نامند؛ هرچند به حد پرستش نرسیده

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۸، ص ۲۱.

۲. ابن عبدالوهاب، محمد، الواجبات المتحتمات المعرفة علی کل مسلم ومسلمة، ص ۹.

۳. الفوزان، صالح بن فوزان، إعانة المستفید بشرح کتاب التوحید، ج ۱، ص ۲۷.

۴. طرطوسی، ابوبصیر، شروط لاله الا الله، ص ۳۷.

باشد. در این صورت، نه مثل حضرت عیسی علیه السلام طاغوت می‌شود؛ زیرا او از حد خود خارج نشده است؛ مضافاً اینکه سنگ‌ها و بت‌های معبود را نیز شامل می‌شود؛ زیرا حد سنگ، سنگ بودن است، نه معبود قرار گرفتن و اکنون که (هرچند به صورت ناخواسته) معبود قرار گرفته از حد خود تجاوز کرده است و طبعاً از مصادیق طاغوت به‌شمار می‌آید. به بیان دیگر، میان معنای لغوی و اصطلاحی طاغوت تفاوتی وجود ندارد.

نکته: با توجه به تعریفی که ارائه شد، هرآنچه از حد خود تجاوز کند، طاغوت محسوب می‌شود. به‌عنوان نمونه، اگر شخصی بدون دلیل به شخص دیگری ضربه‌ای بزند، فرد اول چون از حد خود تجاوز کرده است، طاغوت محسوب می‌شود. از طرف دیگر، در شریعت، احکامی برای طاغوت بیان شده است که بسیار سنگین است. حال، آیا این احکام دربارهٔ چنین شخصی اجرا می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت، با توجه به تعریفی که بیان شد، طاغوت دارای مراتب است. بالاترین مرتبهٔ طاغوت، مرتبهٔ پرستش است و طبعاً احکام سنگینی که دربارهٔ طاغوت تشریح شده است به این مرتبه ناظر می‌باشد.

چیستی کفر و تکفیر

کفر به معنای مطلق جحد و انکار است.^۱ راغب می‌نویسد: «کفر به معنای پوشاندن شیء است و به همین دلیل شب را کافر می‌گویند؛ زیرا اشخاص را می‌پوشاند.» وی معتقد است بیش‌ترین کاربرد کفر در معنای انکار نعمت است.^۲ او در بیان معنای تکفیر می‌نویسد: «تکفیر به معنای پوشاندن و قطع کردن چیزی است؛ به منزلهٔ آنکه عمل نکرده است.»^۳

در موسوعة الفقهية الكويتية چنین بیان شده است: «کفر در اصطلاح شرعی، به معنای نقیض ایمان و تکذیب پیامبر است در دستورهایی که از جانب پروردگار آورده است. تکفیر به معنای نسبت دادن شخص مسلمان به کفر است.»^۴

۱. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۶۸.

۲. الراغب الأصفهانی، الحسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۳.

۳. همان، ص ۳۰۷.

۴. الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۱۳، ص ۲۲۷.

نک: دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر حداد عادل، ج ۸، ص ۳۷، ماده تکفیر.

نک: دایرة المعارف جهان نوین اسلام، زیر نظر حسن طارمی و دیگران، ج ۲، ص ۲۴۰، ماده تکفیر.



قاضی ابن عربی تفاوت میان کفر و تکفیر را در متعلق حکم شرعی قرار گرفتند. او می‌نویسد: «کفر به معنای جحد و انکار است؛ بنابراین، نمی‌توان هر کفری را متعلق حکم شرعی دانست. تنها در جحد و انکار ذات باری تعالی و صفات و انبیا، شخص تکفیر می‌شود و در این صورت، متعلق حکم شرعی قرار می‌گیرد.»^۱

مرحوم ابن ادریس درباره تکفیر می‌فرماید: «تکفیر اقتضای تعلق احکام، مثل نفی ارث و نفی تناکح را دارد.»^۲

جناب آذرتاش آذرنوش سخن ابن عربی را به بیانی دیگر این‌گونه می‌نویسد: «کفر به معنای پوشاندن و مخفی کردن است و تکفیر به معنای بی‌ایمان‌سازی، بی‌دین‌خواندن و بی‌ایمان‌نامیدن است.^۳ طبق این بیان، در برخی از اقسام کفر، می‌توان احکام مربوط به حوزه کافر را جاری نکرد؛ (مثل کفر به نعمت) اما تکفیر در اصطلاح، اجرای احکام را به دنبال دارد.

بر اساس آنچه گفته شد، میان کفر و تکفیر دو وجه تمایز وجود دارد:

۱. کفر، عام و تکفیر، خاص است.
۲. در تکفیر جنبه شرعی مد نظر است؛ اما در کفر چنین نیست؛ بدان معنا که با وجود مطلق کفر احکام شرعی بر آن مترتب نمی‌شود؛ اما در تکفیر به‌صرف تحقق آن، احکام شرعی نیز تعلق می‌گیرد.

دیدگاه تکفیری‌ها نسبت به تکفیر طاغوت

پیش از تبیین دیدگاه تکفیریان در خصوص لزوم تکفیر طاغوت، تذکر این نکته لازم است که از نظر شیعه نیز تکفیر معبود من دون الله امری لازم و ضروری است، به این معنا که اگر موجودی غیر از الله، تبارک و تعالی، به‌عنوان معبود قرار گیرد، شیعیان نیز آن را تکفیر می‌کنند و هیچ‌گاه با چنین موجودی سازگار نخواهند بود. اساساً تکفیر و اظهار براءت از معبودهای من دون الله در جمله «لا اله الا الله» نهفته است. بیان این جمله مساوی با نفی تمام معبودها و اثبات الوهیت برای خداوند متعال است. بنابراین از

۱. ابن العربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، ج ۲، ص ۴۷۶-۴۷۵.

۲. حلی، ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۶۲۹.

۳. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، ص ۵۹۳-۵۹۲.

دیدگاه شیعه، اصل تکفیر طاغوت (= معبود من دون الله) امری لازم می‌باشد. نکتهٔ مورد تأکید در نوشتار حاضر، عدم لزوم بیان تکفیر طاغوت به صورت مجزاست. از نظر نگارنده، در منشورات گروه‌های تکفیری، عباراتی مشاهده می‌شود که آنها شرط ورود به اسلام و یا بقا در اسلام را علاوه بر بیان شهادتین، به بیان تکفیر طاغوت گره زده‌اند. به عبارت دیگر، برخی از تکفیریان علاوه بر بیان شهادتین، بیان تکفیر طاغوت را برای ورود در اسلام و یا بقا در آن، لازم می‌دانند. آنان ورود در اسلام یا بقا در آن را چنین تصویر می‌نمایند:

بیان شهادتین + بیان تکفیر طاغوت = ورود به اسلام یا بقا در اسلام.

نوشتار پیش رو بر اساس این دیدگاه سامان یافته است و در صدد بررسی چنین دیدگاهی است.

از منظر تکفیری‌ها، «تکفیر طاغوت» لازمهٔ ایمان است. گروه مذکور به بحث تکفیر طاغوت از دو زاویه نگاه کرده‌اند:

۱. تکفیر طاغوت مقدمهٔ تحقق ایمان است؛

۲. عدم تکفیر طاغوت ناقض ایمان محسوب می‌شود؛ بدان معنا که طاغوت از کفار است و کسی که کافر را تکفیر نکند، کافر می‌شود. پس اگر فردی مؤمن باشد؛ اما پس از اینکه ایمان در او شکل گرفت، طاغوت را تکفیر نکرد، ایمانش نقص می‌شود. نکته: نتیجه و خروجی هر دو دیدگاه یکی است و آن هم نبود ایمان در فردی است که طاغوت را تکفیر نمی‌کند.

نگاه مقدماتی به تکفیر طاغوت

محمد بن عبدالوهاب می‌نویسد: «کفر به طاغوت به این معناست که شخص به بطلان عبادت غیر الله معتقد باشد و طاغوت را ترک و اهل طاغوت را نیز تکفیر کند.»^۱ وی صفت کفر به طاغوت را مشتمل بر شهادت کفر طاغوت معرفی می‌کند.^۲ وی نیز در رساله‌ای که برای اثبات کفر سلیمان بن سحیم و پدرش تدوین کرده است، تصریح

۱. ابن عبدالوهاب، محمد، الواجبات المتحتمات المعرفة علی کل مسلم ومسلمة، ص ۸؛ الرومی، عبدالعزیز بن زید، مؤلفات الشیخ الامام محمد بن عبدالوهاب، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲. علماء نجد، الدرر السنیه فی الأجوبة النجدیه، ج ۲، ص ۱۲۲-۱۲۱.



می‌کند در رساله‌ای که برای ابن‌صالح تألیف کرده، به مسئله تکفیر طاغوت پرداخته است.^۱

شنقیطی در این زمینه می‌نویسد: «کفر به طاغوت یا از شروط یا از ارکان ایمان محسوب می‌شود.»^۲ عبدالعزیز بن عبداللطیف نیز کفر به طاغوت را از شروط ایمان می‌داند.^۳

در کتاب درر السنیه بارها از کفر به طاغوت سخن به میان آمده. در یک نمونه، به تکفیر طاغوت تصریح شده است. به‌زعم پدیدآورندگان اثر مذکور، اسلام تنها با برائت و تکفیر طاغوت‌ها صحیح می‌باشد.^۴

طرطوسی از افرادی است که در موضوع طاغوت، کتاب مستقلی تألیف کرده است.

او در این زمینه می‌نویسد:

ایمان به خدا و کفر به طاغوت از بزرگ‌ترین ارکان اسلام است. اولین مسئله‌ای که بنده باید بدان ملتزم باشد، کفر به طاغوت است. بنده قبل از اقامه نماز، انجام دادن مناسک حج، پرداخت زکات، ادای روزه ماه مبارک رمضان و دیگر اعمال عبادی باید کفر به طاغوت داشته باشد. هیچ عمل عبادی از وی قبول نمی‌شود و خون فرد محفوظ نمی‌ماند؛ مگر پس از کفر به طاغوت.^۵

در ادامه می‌نویسد: «مجرد اینکه فرد در اعتقاد یا زبان به طاغوت کفر بورزد، کفایت نمی‌کند؛ بلکه این کفر باید با عمل همراه باشد. منظور از کفر به طاغوت، تکفیرکردن طاغوت است.»^۶ با توضیح اخیر طرطوسی، مشخص می‌شود مقصود از کفر به طاغوت در زبان امثال شنقیطی و عبدالعزیز بن عبداللطیف، «تکفیر طاغوت» می‌باشد.

طرطوسی در کتاب دیگرش به توضیح کفر به طاغوت می‌پردازد. او پس از اینکه کفر

۱. همان، ج ۱۰، ص ۳۴.

۲. محمد الامین بن محمد المختار بن عبدالقادر الجکنی الشنقیطی، أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، ج ۱، ص ۲۴۵.

۳. عبدالعزیز بن محمد بن علی عبداللطیف، نوافض الایمان القولیه و العملیه، ص ۳۴۰.

۴. علماء نجد، الدرر السنیه فی الأجوبة التجدیة، ج ۱۰، ص ۵۳.

۵. طرطوسی، ابوبصیر، الطاغوت، ص ۱۲۸.

۶. همان، ص ۱۳۶-۱۳۵.

نک: طرطوسی، ابوبصیر، مصطلحات و مفاهیم شرعیة علاها غبار تأویلات و تحریفات المبطلین یجب تصحیحها، ص ۱۸۳.

به طاغوت را مقدمهٔ تحقق ایمان می‌پندارد،^۱ برای کفر به طاغوت سه صفت بیان می‌کند:

۱. صفت اعتقادی کفر به طاغوت: فرد باید به کفر طاغوت و کفر پیروان طاغوت معتقد باشد؛

۲. صفت قولی کفر به طاغوت: فرد باید بیان کند طاغوت کافر است و طاغوت را تکفیر کند؛

۳. صفت عملی کفر به طاغوت: فرد باید به جهاد در مقابل طاغوت و سپاه او اقدام کند.^۲

عبدالمنعم مصطفی حلیمه نیز در توضیح صفت کفر به طاغوت، بایسته‌های اعتقادی، قولی و عملی را مطرح می‌کند.^۴

عبدالله بن محمد الغلیفی، تکفیر طاغوت را مقدمهٔ شکل‌گیری توحید معرفی می‌کند. وی می‌نویسد: «همان‌گونه که برای تحقق نماز به وضو نیاز است، برای تحقق توحید، تکفیر طاغوت لازم است.»^۵ از دیدگاه وی، کفر به طاغوت از مصادیق مقدمهٔ واجب است. ایمان به خداوند و موحدبودن، امری واجب و محتوم است. مقدمهٔ تحقق این امر واجب، کفر به طاغوت است و از آنجا که مقدمهٔ واجب، واجب است، کفر به طاغوت نیز امری واجب می‌باشد.

ابوعبدالملک توحیدی در توضیح فواید تکفیر طاغوت، اولین فایدهٔ آن را تحقق ایمان اشخاص معرفی می‌کند. از دیدگاه وی، محقق شدن ایمان به تکفیر طاغوت‌ها منوط است.^۶

عبدالرحمن شاکر کفر به طاغوت را مساوی تکفیر طاغوت می‌داند.^۷

عمر محمود ابوعمر از آیهٔ ﴿فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ﴾^۱ تکفیر را برداشت کرده

۱. طرطوسی، ابوبصیر، شروط لاله الا الله، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۳۰-۲۸.

۳. النظاری، حارث بن غازی، تفریح دروس فی التوحید والقتال، ص ۶-۵.

۴. حلیمه، عبدالمنعم مصطفی، شروط لا اله الا الله، ص ۱۵.

۵. الغلیفی، عبدالله بن محمد، الْكُفْرُ بِالطَّاغُوتِ بَيْنَ غُلُوِّ النَّوَاجِرِ وَتَفْرِيطِ الْمَرْجِنَةِ، ص ۷۴-۷۳.

۶. توحیدی، ابوعبدالملک، أجوبة على مسائل في الإيمان والكفر، ص ۴۵.

۷. حلمی هاشم، عبدالرحمن شاکر نعم‌الله، شرح نواقض الإسلام العشرة، ص ۲۱۴.



است. وی معتقد است اسلام بر دو رکن کفر به طاغوت و ایمان بالله مبتنی است. از آنجاکه وی کلمه «یکفر» را به «تکفیر» تفسیر کرده است، دریافت می‌شود که مقصودش از کفر به طاغوت همان تکفیر طاغوت است.^۲

ابوالوفاء التونسی کفر به طاغوت را رکن یا شرط ایمان معرفی می‌کند.^۳ ابوالحسن رشید کفر به طاغوت را با تکفیر طاغوت مساوی می‌داند.^۴

عدم تکفیر طاغوت، ناقض ایمان

ابوبصیر طرطوسی در این زمینه می‌نویسد: «کسی که طاغوت را تکفیر نکند؛ هرچند شهادتین را به زبان جاری کند، کافر و مرتد می‌باشد.»^۵

بدیهی است کسی مرتد محسوب می‌شود که ابتدا ایمان داشته باشد و پس از مدتی از ایمان خارج و به دایره کفر وارد شود.

عبدالرحیم السلمی، کفر به طاغوت را مستلزم اموری از قبیل اجتناب و برائت از طاغوت می‌داند. وی معتقد است کسی که به عدم کفر طاغوت قائل باشد، در ورطه کفر افتاده و کافر می‌شود و اعتقاد به عدم کفر به طاغوت سبب ارتداد شخص است.^۶

نقد اندیشه تکفیر طاغوت

تفکر مطرح شده را می‌توان از جنبه‌های مختلف نقد کرد. نقد تفسیری، اصولی و اختلاف نظر دیدگاه خود تکفیری‌ها، بخشی از نقدهایی است که در این زمینه می‌توان عنوان کرد.

اختلاف دیدگاه در میان تکفیری‌ها

بر اساس بررسی‌ها، تمامی تکفیری‌ها به لزوم تکفیر طاغوت قائل نبوده و در میان آنان این عقیده مورد اختلاف است. برای نمونه می‌توان دیدگاه چند تن از آنان را بیان کرد:

بشر بن فهد البشر در توضیح کفر به طاغوت چنین می‌نویسد: «کفر به طاغوت،

۱. بقره، ۲۵۶.

۲. عمر محمود ابوعمر، الجهاد والاجتهاد تأملات فی المنهج، ص ۴۸.

۳. ابوالوفاء التونسی، القول المجلی فی نقد الدستور التونسی الکفری، ص ۱۱-۲.

۴. ابوالحسن رشید، وجوب الفصام و حتمية الصدام بین الکفر و الإسلام، ص ۱۵.

۵. طرطوسی، ابوبصیر، الطاغوت، ص ۸۸.

۶. عبدالرحیم بن صمایل العلبانی السلمی، أصول العقيدة، درس ۴، ص ۴.

به معنای اعتقاد به بطلان آن، بغض داشتن نسبت بدان، ترک و انکار طاغوت و برائت از آن است.^۱

دکتر علی بن نقیع العلیانی، استاد دانشگاه ام‌القری، با توجه به معنای لغوی کفر در توضیح مراد از کفر به طاغوت می‌نویسد:

از جمله معانی کفر، پوشاندن، انکار، جحود، دشمنی، براءت، امتناع، سرپیچی از دستورها، بغض و دشمنی است. درباره طاغوت باید انسان با قلب و زبان و عمل به او کفر بورزد. اگر فرد بخواهد به طاغوت کفر بورزد لاجرم باید به خصایص و صفاتی که طاغوت مستحق نیست و بدان تجاوز کرده است، انکار و دشمنی بورزد. همچنین لازم است براءت و انکار خود را به صورت علنی اعلان کند. زمانی که فرد چنین کرد، می‌توان گفت وی با قلب، زبان و عملش به طاغوت کفر ورزیده است.^۲

ابی محمد مقدسی در این باره می‌نویسد:

چنانچه کفر به طاغوت، به تکفیر طاغوت تفسیر شود و آن (تکفیر طاغوت) شرط صحت اسلام عنوان گردد، تفسیر و عملی غیر دقیق و نادرست صورت گرفته است؛ زیرا در این صورت، مکلفان مأمورند به هرآنچه غیر خداست و معبود قرار گرفته‌اند، مثل حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، ملانکه و صالحان کفر بورزند؛ درحالی‌که به تکفیر آنها مأمور نیستند. باید از عبادات آنها اجتناب و از الوهیت این موارد اظهار براءت کرد و این (اجتناب و براءت) همان کفر به طاغوت است که خداوند بر مکلفان فرض کرده است.^۳

از سخنان افراد مذکور، این مطلب به دست می‌آید که تکفیر طاغوت از لوازم ایمان و اسلام نیست و در نتیجه حکم به وجوب تکفیر برای تحقق یا عدم نقض ایمان، برخلاف دیدگاه جمعی از پیروان مکتب تکفیر است.

نقد تفسیری

همان‌گونه که در عبارات طرفداران وجوب تکفیر طاغوت هویداست، آنان برای مستند کردن دیدگاه خویش به برخی از آیات قرآن حکیم تمسک کرده‌اند. آیاتی را که در ادامه می‌آید می‌توان از مهم‌ترین دلایل قرآنی این گروه عنوان کرد:

۱. بشر بن فهد البشر، الکفر بالطاغوت، ص ۹.

۲. علی بن نقیع العلیانی، حقیقة الکفر بالطاغوت وعلاقته بالإیمان بالله، ص ۴۵.

۳. ابو محمد عاصم المقدسی، الرسالة الثلاثینة فی التحذیر من الغلو فی تکفیر، ص ۲۸۵.

۱. ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۱
۲. ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ﴾^۲
۳. ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾^۳

خداوند متعال در موارد متعددی^۴ کلمه «طاغوت» را به کار برده است. برای رعایت اختصار، تنها به بیان دیدگاه مفسران در آیات مذکور پرداخته و از طرح دیدگاه آنان در سایر آیاتی که واژه طاغوت در آنها استفاده شده، صرف نظر می‌شود. بر اساس بررسی‌ها، تکفیری‌ها ادعای پیروی از صاحب‌نظران سه قرن اول را دارند و دیدگاه این جماعت را بر دیدگاه دیگران مقدم می‌دارند. در این قسمت برای داوری صحیح، ضروری است آنچه مفسران مقبول تکفیری‌ها درباره آیات مورد تمسک بیان کرده‌اند، عنوان شود. بدیهی است چنانچه مفسران از آیات کفر به طاغوت، تکفیر آن را برداشت کرده باشند سخن تکفیری‌ها صحیح است؛ اما اگر آنان دیدگاهی غیر از تکفیر را مطرح کرده باشند، تکفیری‌ها به‌رغم ادعای پیروی از منهج سلف، از آنها پیروی نکرده، بلکه برای دیدگاه آنها وقعی نگذارده و آرای خود را بر آرای آنان مقدم کرده‌اند.

تفسیر آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره^۵

طبری، یکی از مفسران مورد اعتماد تکفیری‌ها، پس از اینکه اختلاف دیدگاه‌ها درباره ماهیت طاغوت و ریشه لغوی آن را بیان می‌کند، کفر به طاغوت را انکار ربوبیت ماسوی‌الله می‌داند.^۶ زجاج معتقد است صرف تصدیق الله و آنچه خداوند امر کرده

۱. البقره، ۲۵۶.

۲. النحل، ۳۶.

۳. النساء، ۶۰.

۴. بقره، ۲۵۷-۲۵۶؛ نساء، ۷۶-۶۰-۵۱؛ مائده، ۶۰؛ نحل، ۳۶؛ زمر، ۱۷.

۵. ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

۶. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۵، ص ۴۱۹.

است، موجب تمسک به ریسمان الهی است.^۱

ابن ابی حاتم، صور و برخی از مصادیق طاغوت را مطرح کرده و هیچ نکته‌ای مبنی بر لزوم تکفیر طاغوت برای تحقق ایمان بیان نکرده است.^۲ ثعلبی، ماوردی، قشیری، بغوی، بیضاوی، شوکانی و سیوطی، همچون ابن ابی حاتم از لزوم تکفیر طاغوت، بی تفاوت عبور کرده‌اند.^۳

ماتریدی، «یکفر بالطاغوت» را به معنای تکذیب هر چیزی می‌داند که به عبادت غیر الله دعوت می‌کند.^۴ ابن کثیر، در تفسیر «یکفر بالطاغوت» می‌نویسد: «کسی که تنها خداوند متعال را پرستش کند و هم‌تایان، بت‌ها و همه چیزهایی را کنار بگذارد که به پرستش غیر خدا دعوت می‌کنند به ریسمان الهی تمسک کرده است.»^۵ طنطاوی در تفسیر این آیه، بدون ذکر نام ابن کثیر، مطالب او را بیان می‌کند.^۶

با مراجعه به بیش از ۳۰ تفسیر، در هیچ یک از تفاسیر، لزوم تکفیر طاغوت برای شکل‌گیری ایمان یا ناقض ایمان بودن عدم تکفیر طاغوت، مشاهده نشد.

بنا بر اقوال گذشته، مقصود از «یکفر بالطاغوت» در آیه بیان شده، موارد ذیل است:

• انکار ربوبیت غیر الله؛

• تکذیب داعی به عبادت غیر الله؛

• کنارگذاشتن انداد و اصنام.

همچنین دریافت می‌شود، تفسیر آیه معهود به «تکفیر طاغوت» تفسیری خلاف

۱. ابراهیم بن السری بن سهل، ابواسحاق الزجاج، معانی القرآن وإعرابه، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲. الرازی، ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۹۶-۴۹۵.

۳. احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی، الكشف والبيان عن تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۳۶.

علی بن محمد بن محمد بن حبیب البصری البغدادی، تفسیر الماوردی، ج ۱، ص ۳۲۸.

عبد الکریم بن هوازن بن عبدالملک القشیری، لطائف الإشارات، ج ۱، ص ۱۹۸.

بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۵۰.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۱، ص ۱۵۵.

شوکانی، محمد، فتح القدر، ج ۱، ص ۳۱۶.

عبدالرحمن بن ابی بکر، جلال‌الدین السیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۲.

۴. محمد بن محمد بن محمود، ابومنصور الماتریدی، تفسیر الماتریدی (تأویلات أهل السنة)، ج ۲، ص ۲۴۰.

۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۶۸۳.

۶. محمد سید طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۱، ص ۵۹۸.



دیدگاه قاطبه مفسران اهل سنت است.

تفسیر آیه ۳۶ سوره مبارکه نحل^۱

طبری، اجتناب از طاغوت را به معنای دوری از شیطان و پرهیز از اغوائت آن می‌داند.^۲ طبرانی و نسفی، آیه را به دوری از شیطان و هر معبود غیر الله معنا کرده‌اند.^۳ سمعانی در تفسیرش دوری از بت را بیان کرده است.^۴ ابن عطیه، علاء‌الدین خازن و ماتریدی در تفسیر آیه می‌نویسند: «پیامبران از جانب خداوند متعال مبعوث شدند تا به عبادت خداوند و دوری از عبادت غیر او امر کنند.» وی سپس معنای طاغوت را بیان می‌کند.^۵ بدیهی است میان دستور به دوری از شخص یا موجودی، با دستور به تکفیر آن تفاوت وجود دارد.

ابن عباس، سمرقندی، قرطبی، شوکانی و محمد صدیق خان اجتناب طاغوت را به معنای ترک عبادت غیر الله (همچون شیطان، کاهن و بت) می‌دانند.^۶ ابن تیمیه، ابن کثیر، بیضاوی بدون اشاره به معنا و تفسیر «اجتنبوا الطاغوت» از آن عبور کرده‌اند.^۷

۱. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَمَا يَصِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ.»

۲. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۷، ص ۲۰۱.

۳. سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، ابوالقاسم الطبرانی، تفسیر القرآن العظیم (المنسوب) للإمام الطبرانی، ذیل آیه ۳۶ سوره مبارکه نحل.

نسفی، عبدالله، تفسیر النسفی (مدارك التنزیل وحقائق التأویل)، ج ۲، ص ۲۱۲.

۴. منصور بن محمد بن عبدالجبار ابن احمد المروزی السمعانی، تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۲.

۵. ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن تمام بن عطیة الأندلسی المحاربی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، ج ۳، ص ۳۹۲.

علاء‌الدین خازن، علی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۳، ص ۷۶.

محمد بن محمد بن محمود، ابومنصور الماتریدی، تفسیر الماتریدی (تأویلات أهل السنة)، ج ۶، ص ۵۰۲.

۶. عبدالله بن عباس، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ص ۲۲۴.

ابواللیث نصر بن محمد بن احمد بن ابراهیم السمرقندی، بحر العلوم، ج ۲، ص ۲۷۳.

محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۱۰۳.

شوکانی، محمد، فتح القدر، ج ۳، ص ۱۹۴.

محمد صدیق خان بن حسن بن علی ابن لطف‌الله الحسینی البخاری القنوجی، فتح البیان فی مقاصد القرآن، ج ۷، ص ۲۴۰.

۷. تقی‌الدین، ابن تیمیه، التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۱۶۷.

عبدالله بن عمر بن محمد الشیرازی البیضاوی، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۳، ص ۲۲۶.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۵۷۰.

همان‌گونه که عنوان شد، هیچ یک از مفسران جهان اسلام «اجتنبوا الطاغوت» را دلیل بر تکفیر طاغوت ندانسته است. تنها این تکفیری‌ها هستند که برای رسیدن به اهداف خود، یعنی تکفیر اهل شهادتین، چنین تفسیرهای بی‌پایه‌ای را مطرح کرده‌اند.

تفسیر آیه ۶۰ سوره مبارکه نساء^۱

از منظر طبری، «یکفروا به»، به معنای تکذیب حکم طاغوت است.^۲ از دیدگاه واحدی، «یکفروا به» به معنای عدم موالات و دوستی است. به این معنا که خداوند به مؤمنان امر فرموده است با غیر هم‌کیشان خویش موالات و دوستی نداشته باشند.^۳ ماتریدی، معتقد است جمله «یکفروا به» به مثابه آیه ۲۵۶ سوره بقره است. وی در آیه مشارالیه‌ها، «یکفر بالطاغوت» را به معنای تکذیب داعی به غیر الله دانسته است.^۴ قشیری از آیه، ترک طاغوت را استفاده کرده است.^۵ ابن جوزی در تفسیر این بخش از آیه، به نقل از مقاتل می‌نویسد: «تبری از کاهن‌ها مراد است.»^۶ ابن عباس، محمد جمال‌الدین قاسمی و اسماعیل حقی الخلوتی تبری از طاغوت را مراد این آیه دانسته‌اند.^۷

چنان‌که بیان شد، بسیاری از مفسران سلف و خلف، از آیاتی که تکفیری‌ها بر لزوم تکفیر طاغوت استفاده می‌کنند، لزوم تکفیر را قائل نبوده و به نکاتی غیر از تکفیر اشاره کرده‌اند.

نقد اصولی

علمای اصول فقه، مباحث شبهه موضوعیه و حکمیه را بیان کرده‌اند. ضروری است قبل

۱. «الَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا.»

۲. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۸، ص ۵۰۷.

۳. علی بن احمد بن محمد بن علی الواحدی، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، ص ۲۷۱.

نک: جلال‌الدین محمد بن احمد المحلی و جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، تفسیر الجلالین، ص ۱۱۱.

۴. محمد بن محمد بن محمود، ابومنصور الماتریدی، تفسیر الماتریدی (تأویلات أهل السنة)، ج ۲، ص ۲۴۰.

۵. عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک القشیری، لطائف الإشارات، ج ۱، ص ۳۴۲.

۶. جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد الجوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص ۴۲۶.

۷. عبد الله بن عباس، تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، ص ۷۳.

محمد جمال‌الدین بن محمد سعید بن قاسم الحلاق القاسمی، محاسن التأویل، ج ۳، ص ۱۹۳.

اسماعیل حقی بن مصطفی‌الاستانبولی الحنفی الخلوتی، روح البیان، ج ۲، ص ۲۳۰.

نک: محمد بن عمر نووی الجاوی البنتی اقلیما، التناری بلدا، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، ج ۱، ص ۲۰۵.



از بیان نقد تفکر تکفیری‌ها، توضیحی در این زمینه ارائه شود:

شبهه موضوعیه بدان معناست که اصل حکم الهی مشخص، مکلف به حکم عالم است؛ اما به علل خارجی، موضوع مورد تردید است. به عنوان مثال، حرمت شراب برای مکلف معلوم است؛ لیکن نسبت به مایع موجود در لیوان درباره اینکه آیا آن شراب است یا آب، تردید دارد؛ یعنی درحقیقت موضوع حکم برای وی مردّد است.^۱ چنانچه مکلف، به گمان اینکه آن مایع آب است، آن را بنوشد، مستحق عقاب نیست.

شبهه حکمیه بدان معناست که مکلف، به اصل حکم جاهل باشد. جهل موجود،

ناشی از یکی موارد ذیل است:

۱. عدم نص؛
۲. اجمال نص؛
۳. تعارض دو دلیل.

به بیان دیگر، مکلف یا به خاطر عدم نص شرعی یا اجمالی که در نصوص وجود دارد یا تعارض دو دلیل، در ورطه جهل افتاده است و حکم الهی را نمی‌داند.^۲ قواعد مذکور را علمای اهل سنت و حتی تکفیری‌ها بیان کرده‌اند. ابن تیمیه درباره تکفیر شخص جاهل می‌نویسد: «تنها کسی مورد تکفیر قرار می‌گیرد که حجت بر وی ارائه شده و بدان علم داشته باشد؛ اما فردی که به شرع (حکم الهی) جاهل باشد، مورد تکفیر قرار نمی‌گیرد.»^۳ به دیگر بیان، از دیدگاه ابن تیمیه، کسی که دچار شبهه حکمیه باشد، از تکفیر مصون می‌ماند. محمد بن عثیمین درباره شبهه حکمیه می‌نویسد: «احکام شرعی زمانی بر مکلف واجب می‌شود که وی بدان علم داشته باشد.»^۴ هرچند تکفیری‌ها هر روز به تکفیر مسلمین گرایش بیش‌تری پیدا کرده و امروزه میان جاهل به اصول و فروع تفاوت قائل‌اند. بنا بر تصریح ابن تیمیه و دیگر اندیشمندان این طیف، جاهل به حکم را نمی‌توان تکفیر کرد؛ هرچند جهل در مسائل اصولی باشد. در بحث حاضر، حتی با اعتقاد به وجوب تکفیر طاغوت، با توجه به شبهه حکمیه و

۱. مختاری مازندرانی، محمدحسین، فرهنگ اصطلاحات اصولی، ص ۱۵۰.

۲. همان.

۳. ابن تیمیه، احمد، الاستغاثة فی الرد علی البکری، ص ۲۵۲.

۴. محمد بن صالح بن محمد العثیمین، ملخص القواعد الفقهیة، ص ۲.

موضوعیه، نمی‌توان کسی که طاغوت را تکفیر نکرده است، خارج از ایمان دانست؛ چه بسا فردی که طاغوت را تکفیر نکرده است، به اصل حکم (و جوب تکفیر طاغوت) جهل دارد یا به اینکه مصداق خارجی طاغوت است، جاهل باشد؛ به این معنا که می‌داند، تکفیر طاغوت از نظر شرع مقدس واجب است؛ اما به این مورد که آیا این فرد خارجی عنوان طاغوت بر او صدق می‌کند یا نه جهل دارد و به همین دلیل، از تکفیر آن شخص دست می‌کشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مقوله «کفر به طاغوت» در شرع اسلام، پژوهش پیش رو به معنا و تفسیر و مقتضیات این امر به صورت عام و از منظر تکفیری‌ها به صورت خاص پرداخته و نتایجی را ارائه کرده است از جمله:

۱. در کلمات اندیشمندان اسلامی، می‌توان دو نوع تعریف برای طاغوت یافت. تعریفی مطلق (هر معبودی غیر از خداوند) و تعریفی مقید (معبودی غیر از خداوند که به عبادت خویش رضایت داشته باشد).

۲. تعاریف مطرح شده برای طاغوت، با اشکال عدم مانعیت و جامعیت روبه‌روست. بهترین تعریف برای طاغوت، مطلق تجاوزگر از حد می‌باشد که برگرفته از معنای لغوی این واژه است.

۳. از نگاه اصیل اسلامی، اصل نفی و تکفیر معبود من دون الله امری لازم و ضروری است و می‌توان این قاعده را در جمله «لا اله الا الله» مشاهده نمود. لکن آنچه خلاف گزاره‌های دینی است، گره زدن ورود به اسلام و یا بقا در آن با اظهار تکفیر طاغوت است. از نظر اسلام، ورود در اسلام با صرف بیان شهادتین محقق می‌شود و هر چند تکفیر طاغوت در آن نهفته است؛ اما بیان مجزا را نمی‌طلبد.

۴. نگارنده، از عبارات برخی تکفیری‌ها، دوئیت بین شهادتین و تکفیر طاغوت را برداشت کرده است و بر این اساس این دیدگاه را نقد نموده است. به بیان دیگر، پندار نگارنده از عبارات گروه‌های تکفیری این بوده است که آن‌ها علاوه بر بیان شهادتین، بیان تکفیر طاغوت را برای ورود در اسلام و یا بقا در آن، لازم می‌دانند. این دیدگاه است که



- در نوشتار حاضر مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.
۵. در میان تکفیری‌ها، دو دیدگاه برای لزوم تکفیر طاغوت وجود دارد:
- الف. تکفیر طاغوت مقدمه ورود انسان‌ها به دایره ایمان است.
- ب. عدم تکفیر طاغوت از نواقض ایمان محسوب می‌شود.
۶. هیچ یک از مفسران سلف، از آیات مورد تمسک تکفیری‌ها، وجوب و لزوم تکفیر طاغوت را برداشت نکرده است.
۷. با توجه به شبهه موضوعیه و حکمیه، بر فرض وجوب تکفیر طاغوت، نمی‌توان مکلفانی را که طاغوت را تکفیر نکرده‌اند، از دایره ایمان خارج دانست.
۸. تمامی تکفیری‌ها بر لزوم تکفیر طاغوت اتفاق دیدگاه ندارند و در این امر میان این دسته، اختلاف رأی وجود دارد.

منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن العربي، القاضي محمد بن عبدالله ابوبكر، أحكام القرآن، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ سوم، ١٤٢٤ق.
٣. ابن عبدالوهاب، محمد، الواجبات المتحتمات المعرفة على كل مسلم ومسلمة، مصدر الكتاب: موقع مشكاة الإسلامية.
٤. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، الاستغاثة في الرد على البكري، تحقيق: عبدالله بن دجين السهلي، رياض: مكتبة دار المنهاج للنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
٥. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، التفسير الكبير، تحقيق: عبدالرحمن عميره، بيروت: دارالكتب العلمية، بی تا.
٦. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، مجموع الفتاوى، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٦ق.
٧. ابن كثير دمشقي، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: سامي بن محمد سلامة، بی جا: دار طيبة للنشر والتوزيع، چاپ دوم، ١٤٢٠ق.
٨. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ١٤١٤ق.
٩. ابواسحاق الزجاج، ابراهيم بن السرى بن سهل، معاني القرآن وإعرابه، تحقيق: عبدالجليل عبده شلبي، بيروت: عالم الكتب، چاپ اول، ١٩٨٨م.
١٠. ابوالليث نصر بن محمد بن احمد بن ابراهيم السمرقندي، بحرالعلوم، بی جا: بی نا، بی تا.
١١. ابوالمظفر منصور بن محمد بن عبدالجبار السمعاني، تفسير السمعاني، تحقيق: ياسر بن ابراهيم وغنيم بن عباس بن غنيم، رياض: دار الوطن، چاپ اول، ١٩٩٧م.
١٢. ابوالوفاء التونسي، القول الجلي في نقد الدستور التونسي الكفري، با مقدمه: الشيخ أبو محمد المقدسي. بی جا: بی نا، بی تا.
١٣. ابو عمر، عمر محمود، الجهاد والاجتهاد تأملات في المنهج، بی جا: بی نا، بی تا.
١٤. الإستانبولي الحنفى الخلوته، اسماعيل حقى بن مصطفى، روح البيان، بيروت: دارالفكر، بی تا.
١٥. الأندلسي المحاربي، ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن تمام بن عطية، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، تحقيق: عبدالسلام عبدالشافي محمد، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
١٦. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربى - فارسى، تهران: نشر نى، چاپ دوازدهم، ١٣٨٩ش.
١٧. بشر بن فهد البشر، الكفر بالطاغوت، بی جا: بی نا، بی تا.
١٨. بغوى، حسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت:

- دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، تحقيق: محمد عبدالرحمن المرعشي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۰. توحیدی، ابوعبدالملك، أجوبة على مسائل في الإيمان والكفر، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۱. الثعلبی، احمد بن محمد بن ابراهيم، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۲۰۰۲م.
۲۲. الجكنی الشنقيطی، محمد الأمين بن محمد المختار بن عبدالقادر، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، بيروت: دارالفكر، ۱۹۹۵م.
۲۳. الجوزی، جمال الدين ابوالفرج عبدالرحمن بن علي بن محمد، زاد المسير في علم التفسير، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۴. الحسيني البخاري القنوجي، محمد صديق خان بن حسن بن علي ابن لطف الله، فتح البيان في مقاصد القرآن، بيروت: المكتبة العصرية للطباعة والنشر، ۱۹۹۲م.
۲۵. الحلاق القاسمي، محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم، محاسن التأويل، تحقيق: محمد باسل عيون السود، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲۶. حلي، ابن ادریس، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۷. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر حداد عادل، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۲۸. دایرة المعارف جهان نوین اسلام، زیر نظر حسن طارمی و دیگران، تهران: نشر کنگره، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۲۹. الرازی، ابن ابی حاتم، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: أسعد محمد الطيب، عربستان: مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۳۰. الراغب الأصفهاني، الحسين بن محمد بن المفضل، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق: دار النشر، دار القلم، بی تا.
۳۱. رشيد، ابی الحسن، وجوب الفصام وحتمية الصدام بين الكفر والإسلام، بی جا: اللجنة الإعلامية للجماعة السلفية للدعوة والقتال، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۳۲. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق: مجموعة من المحققين، بی جا: دار الهداية بی تا.
۳۳. السمعاني، منصور بن محمد بن عبدالجبار ابن احمد، تفسير القرآن، تحقيق: ياسر بن إبراهيم وغنيم بن عباس بن غنيم، رياض: دار الوطن، چاپ اول، ۱۹۹۷م.

٣٤. شوكانى، محمد، فتح القدير، دمشق، بيروت: دار ابن كثير ودار الكلم الطيب، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٣٥. صالح بن فوزان بن عبدالله الفوزان، إعانة المستفيد بشرح كتاب التوحيد، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ١٤٢٣ق.
٣٦. طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان في تأويل القرآن، تحقيق: أحمد محمد شاكر، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ٢٠٠٠م.
٣٧. طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان في تأويل القرآن، تحقيق: أحمد محمد شاكر، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٣٨. طرطوسى، ابوبصير، الطاغوت، بی جا: بی نا، بی تا.
٣٩. طرطوسى، ابوبصير، شروط لاله الا الله، www.abubaseer.bizland.com، چاپ دوم، ٢٠١٣م.
٤٠. طرطوسى، ابوبصير، مصطلحات و مفاهيم شرعيه علاها غبار تأويلات و تحريفات المبطلين يجب تصحيحها، بی جا: بی نا، بی تا.
٤١. طريحي، مجمع البحرين، بی جا: بی نا، بی تا.
٤٢. طنطاوى، محمد سيد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة، چاپ اول، بی تا.
٤٣. عبدالرحمن بن ابى بكر، جلال الدين السيوطى، الدر المنثور، بيروت: دارالفكر، بی تا.
٤٤. عبدالرحمن شاكر نعم الله حلمى هاشم، شرح نواقض الإسلام العشرة، بی جا: دار وجمعية أبناء الأصول، ٢٠١٤م.
٤٥. عبدالرحيم بن صمايل العليانى السلمى، أصول العقيدة، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>.
٤٦. عبدالعزيز بن زيد الرومى، مؤلفات الشيخ الامام محمد بن عبد الوهاب، عربستان: جامعة الامام محمد بن سعود الاسلاميه، بی تا.
٤٧. عبدالعزيز بن محمد بن على عبداللطيف، نواقض الايمان القولييه و العمليه، رياض: مدار الوطن للنشر، چاپ دوم، ١٤٢٧ق.
٤٨. عبدالكريم بن هوازن بن عبدالملك القشيري، لطائف الإشارات، تحقيق: إبراهيم البسيوني، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ سوم، بی تا.
٤٩. عبدالله بن عباس، تنوير المقباس من تفسير ابن عباس، تحقيق: مجدالدين أبوطاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادى، لبنان: دار الكتب العلمية، بی تا.
٥٠. عبدالله بن عمر بن محمد الشيرازى البيضاوى، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، تحقيق: محمد

- عبدالرحمن المرعشلي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۵۱. عبدالله بن محمد الغليفي، **الْكُفْرُ بِالطَّاعُوتِ بَيْنَ غُلُوِّ الْحَوَارِجِ وَتَفْرِيطِ الْمُرْجِيَّةِ**، مكة: بي نا، بي تا.
۵۲. عبدالمنعم مصطفى حليمه، **شروط لا اله الا الله**، بي جا: بي نا، بي تا.
۵۳. العثيمين، محمد بن صالح بن محمد، **ملخص القواعد الفقهية**، تحقيق: أبوحميد عبدالله بن حميد الفلاسي، بي جا: بي نا، بي تا.
۵۴. علاء الدين خازن، **على، لباب التأويل في معاني التنزيل**، تحقيق: محمد علي شاهين، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۵۵. علماء نجد الأعلام، **الدرر السننية في الأجوبة النجدية**، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، بي جا: بي نا، چاپ ششم، ۱۹۹۶م.
۵۶. علي بن احمد بن محمد بن علي الواحدی، **الوجيز في تفسير الكتاب العزيز**، تحقيق: صفوان عدنان داوودي، دمشق، بيروت: دار القلم، الدار الشامية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۵۷. علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصرى البغدادي، **الشهير بالماوردي، تفسير الماوردي**، تحقيق: السيد ابن عبدالمقصود بن عبدالرحيم، بيروت: دار الكتب العلمية، بي تا.
۵۸. العلياني، علي بن نقيع، **حقيقة الكفر بالطاغوت وعلاقته بالإيمان بالله**، بي جا: بي نا، بي تا.
۵۹. عمر، احمد مختار عبدالحميد، **معجم اللغة العربية المعاصرة**، بي جا: عالم الكتب، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۶۰. المحلى، جلال الدين محمد بن احمد و السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، **تفسير الجلالين**، قاهرة: دار الحديث، چاپ اول، بي تا.
۶۱. محمد بن عمر نووى الجاوى البنتنى إقليما، **التاري بلداء، مراح لبيد لكشف معنى القرآن المجيد**، تحقيق: محمدامين الصناوي، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۶۲. مختارى مازندراني، محمد حسين، **فرهنگ اصطلاحات اصولی**، تهران: انجمن قلم ايران، ۱۳۷۷ش.
۶۳. مصطفوي، حسن، **التحقيق في كلمات القرآن الكريم**، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
۶۴. مغربي، نعمان بن محمد، **دعائم الإسلام**، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
۶۵. المقدسي، ابى محمد عاصم، **الرسالة الثلاثينية في التحذير من الغلو في التكفير**، منبر التوحيد والجهاد، بي تا.
۶۶. الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، بي جا: بي نا، بي تا.
۶۷. نسفي، عبدالله، **تفسير النسفي (مدارك التنزيل وحقائق التأويل)**، تحقيق: يوسف علي

- بديوي، بيروت: دار الكلم الطيب، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۶۸. النظاری، حارث بن غازی، تفریح دروس فی التوحید والقتال، بی‌جا: مؤسسة الملاحم للإنتاج الإعلامي، بی‌تا.
۶۹. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۳۹۲ق.



